«باسمه تعالی»

درس اول :

سلام دوستان

ما در این درس می‌خواهیم با «صیغه‌های افعال عربی» آشنا بشیم.

اما لازمه در ابتدای کار به این نکته توجه کنیم که در زبان عربی یک «کلمه» به چند نوع تقسیم می‌شود:

کلمه
- اسم : رَجُل ، شَجَرَة ، کِتاب
- فعل : ذَهَبَ ، یَدرُسُ ، اِصبِر
- حرف : علی ، مِن ، فی

* پس فهمیدیم که یک «کلمه» در زبان عربی به سه نوع؛ یعنی اسم ، فعل و حرف تقسیم می‌شود.

اسم و فعل در زبان عربی این شرایط را دارند که از حالتی به حالت دیگر تبدیل شوند؛ یعنی قابلیت این را دارند که صرف شوند؛ یعنی اسم ، مثنی ، مصغر و جمع می‌شود و فعل به ماضی ، مضارع و امر تبدیل می‌شود و این یعنی تصریف اسم و فعل؛ اما حرف در زبان عربی صرف نمی‌شود یعنی همیشه یک حالت باقی می‌ماند.

صرف اسم ← نهر ← نهران (مثنی) ، أنهار (جمع) ، نُهَیر (مصغر)

صرف فعل ← فَرِحَ (ماضی) ، یَفرَحُ (مضارع) ، اِفرَح (امر)

* بعد از فهمیدن نکات بالا به صیغه‌ی فعلهای عربی می‌پردازیم:

✓ فعلها در زبان عربی مانند زبان فارسی به ماضی ، مضارع و امر تقسیم می‌شوند.

| ماضی | مضارع | امر |
|---|---|---|
| ذهب | یذهب | اذهب |
| رفت | می‌رود | برو |
| خرج | یخرج | اخرج |
| خارج شد | خارج می‌شود | خارج شو |

| ماضی | مضارع | امر |
|---|---|---|
| فرح | یفرح | افرح |
| شاد شد | شاد می‌شود | شاد باش |
| کتب | یکتب | اکتب |
| نوشت | می‌نویسد | بنویس |

## آشنایی با فعل ماضی :

✓ فعل ماضی : فعلی است که بر حالتی یا رخدادی دلالت می‌کند که در زمان گذشته اتفاق افتاده است .

مانند : ذَهَبَ : رفت
مانند : ضَرَبَ : زد

این رفتن و زدن هردو در زمان گذشته اتفاق افتاده است .

✓ فعل ماضی در زبان عربی به سه گروه تقسیم می‌شود → غایب ، مخاطب ، متکلم

* فعل ماضی برای اینکه از فعل مضارع و امر شناخته شود علامت‌های خاص خود را دارد که با دیدن آنها می‌توانیم آن را تشخیص دهیم .

علامتهای خاص فعل ماضی :

۱- ضمائر پیوسته فاعلی : ذَهَبتَ ، ذَهَبنا ، ذَهَبتم ، ذَهَبنَ ، ذَهَبتُنَّ

۲- حرف «تْ» ساکن که فقط در فعل ماضی یافت می‌شود . ذَهَبَتْ ، خَرَجَتْ ، نَصَرَتْ

(( با توجه به علامتهای گفته شده در بالا می‌فهمیم که فعل ماضی در آغاز خود چیزی ندارد و تنها ضمائر فاعلی به آن می‌چسبد تا فاعل و کننده‌ی کار را مشخص کند و در یکی از گروه غایب ، مخاطب و متکلم قرار بگیرد )) .

فعل ماضی به ۱۴ صیغه‌ی غایب ، مخاطب و متکلم تقسیم می‌شود :

غایب :

| | مذکر | مؤنث |
|---|---|---|
| مفرد | ضَرَبَ (هو) | ضَرَبَتْ (هی) |
| مثنی | ضَرَبا (هما) | ضَرَبَتا (هما) |
| جمع | ضَرَبوا (هم) | ضَرَبْنَ (هنّ) |

نکته : صیغه‌ی مفرد مذکر غایب ماضی هیچ ضمیری به آن افزوده نمی‌شود . ذَهَبَ ، خَرَجَ ، ظَلَمَ

* بلکه ضمیر در آن پنهان است . ذَهَبَ = او رفت . ضمیر پنهان «هو» در آن وجود دارد .

مخاطب :

| | مذکر | مؤنث |
|---|---|---|
| مفرد | كَتَبْتَ (انتَ) | كَتَبْتِ (انتِ) |
| مثنی | كَتَبْتُما (انتما) | كَتَبْتُما (انتما) |
| جمع | كَتَبْتُم (انتم) | كَتَبْتُنَّ (انتنّ) |

مُتَکَلِّم :

مُتَکَلِّم وحده ← كَتَبْتُ (انا)

مُتَکَلِّم مع الغیر ← كَتَبْنا (نحن)

* حال فعل خرج را ۱۴ صورت ماضی صرف می‌کنیم :

| غایب : | | مخاطب : | | متکلم : |
|---|---|---|---|---|
| خرج | خرجتْ | خرجتَ | خرجتِ | خرجتُ |
| خرجا | خرجتا | خرجتما | خرجتما | خرجنا |
| خرجوا | خرجنَ | خرجتم | خرجتنّ | |

انواع فعل ماضی :

۱- فعل ماضی ساده : بیانگر رخداد یا کاری است که در زمان گذشته اتفاق افتاده و ارتباطی با زمان حال ندارد .

عَرَفَ : دانست ، شناخت

۲- فعل ماضی نقلی : بیانگر کاری است که در گذشته انجام شده و نتایجش تاکنون نیز ادامه دارد .

قد ذهب = (رفته است)

ترکیب ساختاری فعل ماضی نقلی = قد + فعل ماضی

۳- فعل ماضی استمراری : بیانگر کاری است که در گذشته به شکل مستمر و ادامه‌دار صورت می‌گرفته است .

کان یذهب = (می‌رفت)

ترکیب ساختاری فعل ماضی استمراری = کان + فعل مضارع

۴- فعل ماضی بعید : این فعل بیانگر کاری است که در گذشته دور یا خیلی دور حاصل شده است .

فعل ماضی بعید با ترکیب زیر حاصل می‌شود :

کان + (قد) + فعل ماضی : کانَ قد ذهب (رفته بود) - کنتَ قد ذهبتَ (رفته بودی) - کنتم قد ذهبتم (رفته بودید)

نکته : توجه به (مثال‌ها) فعل کانَ و فعل ماضی مورد نظر تغییر می‌کند .

استاد : استاد مریم یادگاری

مبحث : آموزش تفصیلی درس اول عربی دهم دبیرستان

فعل مضارع : فعلی است که بیانگر کاری یا حالتی است که در زمان حال یا آینده اتفاق می‌افتد.

یَذهَبُ : می‌رود     یَکتُبُ : می‌نویسد

✓ فعل مضارع از فعل ماضی ساخته می‌شود.

✓ فعل مضارع دو ویژگی خاص دارد :

۱ـ حروف مضارعه : حروف مضارعه در ابتدای فعل ماضی می‌آید و فعل مضارع ساخته می‌شود.

« أ ـ ت ـ ی ـ ن » ← این چهار حرف، حروف مضارعه هستند.

به ساخت فعل مضارع زیر توجه کنید :

| فعل ماضی | + | حروف مضارعه | = | فعل مضارع |
|---|---|---|---|---|
| ذهب | | یذهب | | یذهب |
| خرج | | ت | | تَخرجُ |
| نصر | | أ | | أنصرُ |
| فرح | | ن | | نَفرحُ |

۲ـ حرکات ضمه، فتحه و ساکن یا حرف (ن) در انتهای فعل :

فعل مضارع معرب است و در انتهای فعل ما حرکت ضمه، فتحه یا ساکن یا حرف «ن» را می‌بینیم

یذهبُ (ضمه) . لن یذهبَ (فتحه)   لم أذهبْ (ساکن)   یذهبونَ (حرف (ن))

نکته : اگر قبل از فعل مضارع حروف ناصبه یا جازمه نباشد فعل حرکت ضمه می‌گیرد و یا حرف (ن) دارد.

یذهبُ   یذهبونَ   یذهبانِ   تذهبینَ   تذهبُ   یذهبْنَ   تذهبْنَ

نکته : اما اگر حروف مضارعه قبل از فعل مضارع بیاید فعل مضارع در آخرش «فتحه» نمایان می‌شود و یا اگر حرف (ن) داشته باشد آن حرف «ن» حذف می‌شود.

حروف مضارعه : أن، لن، کی، إذن و . . . . « این حروف باعث نصب فعل مضارع می‌شوند »

نمونه فعل‌های منصوب :

لَن یذهبَ - أن یذهبوا - لن تَذهبَ - کَی تَذهبا - إذن تَخرجوا

نکته : اگر بر سر فعل‌های مضارع حرف جازمه بیاید فعل مضارع مجزوم می‌شود و یا حرف «ن» حذف می‌شود.

حروف جازمه : لم ، لما ، لا نهی و ... «این حروف جازمه باعث جزم فعل مضارع و حذف حرف (ن) می‌شوند»

نمونه فعل‌های مجزوم :

لم تذهبْ - لم تَذهبوا - لا تَذهبْ -

* فعل مضارع نیز شبیه فعل ماضی به سه گروه تقسیم می‌شوند ← غایب ، مخاطب ، متکلم

تقسیم فعل مضارع به ۱۴ صیغه‌ی غایب ، مخاطب و متکلم :

غایب :

| | مذکر | مؤنث |
|---|---|---|
| مفرد | یَذْهَبُ | تَذْهَبُ |
| مثنی | یَذْهَبانِ | تَذْهَبانِ |
| جمع | یَذْهَبونَ | یَذْهَبْنَ |

مخاطب :

| | مذکر | مؤنث |
|---|---|---|
| مفرد | تَذْهَبُ | تَذْهَبینَ |
| مثنی | تَذْهَبانِ | تَذْهَبانِ |
| جمع | تَذْهَبونَ | تَذْهَبْنَ |

متکلم :

متکلم وحده : أَذْهَبُ

متکلم مع الغیر : نَذْهَبُ

فعل امر: بیانگر دستور یا امری است که به شخص می‌دهیم تا آن را انجام دهد.

✓ فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود.

برای ساختن فعل امر باید کارهای زیر را انجام دهیم:

۱- حذف حرف مضارعه از آغاز فعل مضارع

۲- اضافه کردن حرف همزه به آغاز فعل مضارع (در صورتی که حرف بعد از حرف مضارعه ساکن باشد)

۳- جزم کردن آخر فعل مضارع یا حذف حرف «ن».

تَذهَبُ ← ذْهَبُ (چون حرف اول ساکن است، اضافه کردن همزه لازم است) إذهَبْ ← برو

تَخرُجُ ← أُخرُجْ ← خارج شو

تَتَقَدَّمُ ← تَقَدَّمْ (چون حرف اول حرکت دارد، نیازی نیست که همزه امر آورده شود). پیش برو

تَكتُبُ ← اُكتُبْ بنویس

تَذهَبانِ ← إذهَبا (حذف حرف «ن») بروید (شما دو تا)

تَذهَبونَ ← إذهَبوا بروید (شما چند نفر)

فعل نهی: فعل نهی هم زیرشاخه‌ی فعل امر است؛ زیرا ما در این نوع فعل از مخاطب می‌خواهیم کاری را انجام ندهد.

برای ساختن فعل نهی از حرف «لا» نهی استفاده می‌کنیم و آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.

تَذهَبُ ⇐ لا تَذهَبْ (نرو)

تَخرُجونَ ⇐ لا تَخرُجوا (خارج نشوید)